

دو فصلنامه تفسیر پژوهی
سال ششم، شماره یازدهم
بهار و تابستان ۹۸
صفحات ۱۸۵-۱۶۱

تطور تاریخی تفسیر در یمن*

آزاده عباسی**

چکیده

مسلمانان از صدر اسلام اهتمام ویژه‌ای به فراگیری تفسیر آیات الهی داشته و در این راستا تفسیرهایی را نیز نوشته‌اند با این وجود توجه به نگارش‌های تفسیری سابقه‌ای طولانی ندارد. در این تحقیقات پیرامون نگارش‌های تفسیری، معمولاً توجه به مسأله جغرافیا از اهمیت کمتری برخوردار است. یمن از دیرباز دارای موقعیت مهم جغرافیایی و تاریخی بوده است؛ قبائل این دیار جزو اولین گروه‌هایی هستند که مسلمان شده‌اند؛ با توجه به اهمیت استراتژیک یمن، این پژوهش بر آن است تا با استفاده از روش توصیفی - تاریخی به این سؤال پاسخ دهد که سیر تاریخی تفسیرنگاری در یمن چگونه بوده است؟ بررسی ادوار مختلف تاریخ در یمن، نشان می‌دهد که مسئله تفسیر و نگارش‌های تفسیری در این سرزمین همواره مورد توجه بوده و مفسرین بزرگی در این دیار زیست کرده‌اند. باید توجه داشت که جریان تفسیر نگاری در یمن فراز و فرودهایی نیز داشته است. مفسرین در یمن برای نگارش‌های خود از شیوه‌های گوناگونی استفاده کرده‌اند. گاه تمام آیات و گاهی برخی از آیات را مورد بررسی قرار داده‌اند و گاهی هم مبتنی بر روایات نبوی تفسیر نوشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: یمن، تفسیر قرآن، تاریخ تفسیر، تفسیر در یمن.

*- تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۲۶ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۲۳
** استادیار دانشگاه علوم قرآن و حدیث (پردیس تهران)

۱- طرح مسأله

جریان تفسیر نگاری جریانی دیرینه است اما پژوهش در زمینه‌ی نگارش‌های تفسیری قدمت چندانی ندارد. به عبارت دیگر اگرچه نگارش تفسیر از روزگار پیامبر (ص) تاکنون وجود داشته است اما توجه به تفاسیر نوشته شده به عنوان یک دانش یا جریان فکری مسئله‌ای نوپدید به حساب می‌آید. اینکه جریان تفسیر نگاری مورد کاوش قرار بگیرد و زمینه‌ها و بسترها، روندها، نتایج و آسیب‌های آن مورد بررسی قرار بگیرد، خیلی قدیمی نیست.

شاید با اندکی تسامح بتوان گفت که توجه به این مسئله از زمان گلدزیهر آغاز شده و باید توجه داشت که کار وی کاستی‌هایی جدی دارد. در همین راستا قبل از او نیز تلاش‌های اندکی وجود داشته است که می‌توان از افرادی مانند امین الخولی و دایرةالمعارف اروپایی و... نام برد. دیگرانی همچون محمدحسین ذهبی و مرحوم معرفت نیز در این زمینه تألیفاتی ارائه کرده‌اند. التفسیر و المفسرون محمدحسین ذهبی هم به لحاظ جغرافیای بحث و هم به لحاظ مفسرانی که مورد توجه قرار داده است و هم به لحاظ زاویه نگاه از اهمیت ویژه‌ای در این زمینه برخوردار است و با وجود کاستی‌هایی که دارد به عنوان گامی قابل توجه است.

آنچه در این میان مهم به نظر می‌رسد آن است که در مجموعه امور انجام شده به جغرافیای بحث کمتر توجه شده است. برای نمونه از جمله کاستی‌های پژوهش ذهبی، جغرافیای بحث در دوره تابعین است. در دوره تابعین، ذهبی بهنگام بحث از مدارس فقط به مدارس مکه، مدینه و مدرسه عراق شامل کوفه و بصره پرداخته است که این قطعاً بسنده نیست زیرا مدارس مهم دیگری از جمله مدرسه خراسان، مصر و یمن و... بررسی نشده‌اند.

این در حالی است که مدرسه تفسیری یمن بجهت جغرافیا و هم‌جواری با ام‌القری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و توجه به این نکته که مردم یمن در اوایل ظهور اسلام مسلمان شده‌اند، بر اهمیت این مسئله می‌افزاید. علاوه بر این بزرگان زیادی در یمن ساکن بوده و اهتمام ویژه‌ای به فراگیری قرآن داشته‌اند لذا پرداختن به یمن از ابعاد مختلف می‌تواند قابل توجه باشد که یکی از این ابعاد، جریان تفسیر نگاری در یمن است.

با توجه به موقعیت مهم یمن - پیش از اسلام تاکنون - این پژوهش تلاش دارد که سیر تاریخی تفسیر نگاری در یمن را مورد بررسی دقیق قرار دهد و سعی بر آن دارد تا به این سؤال پاسخ دهد که سیر تاریخی تفسیر نگاری در یمن چگونه بوده است؟ از بررسی‌های انجام‌شده مشخص می‌شود که ظاهراً تاکنون مقاله‌ای در این زمینه نوشته نشده است و تلاش نگارنده بر این است که هیچ‌بعدی از ابعاد بحث را فرو نهد و ابعاد موضوع را در حد توان و وسعت مقاله بکاود.

۲- مقدمه

قبل از پاسخ به پرسش بالا لازم است مطالبی به‌عنوان مقدمه نقل شود:

۱-۲ یمن در گذرگاه تاریخ

از نظر جغرافیایی، یمن منطقه‌ای است که از شمال به شبه جزیره عربستان، از شرق به منطقه عمان، از جنوب به خلیج عدن و از غرب به دریای سرخ محدود است. از این منطقه به دلیل موقعیت استراتژیک جغرافیایی که دارد به عنوان پل میان خاورمیانه و آفریقا نیز یاد می‌شود. (الهمدانی، ۱۹۷۴، ص ۶۶؛ مرزوق، ۲۰۱۵، ص ۱۵).

در یمن به دلیل باران‌های منظم، زمین‌های کشاورزی پررونق بوده است؛ به همین دلیل در این منطقه، از قدیم ناحیه‌ای آباد و خرم، دارای جنگل‌ها در نقاط کوهستانی و در نقاط دیگر نخلستان‌ها و انواع باغ‌های میوه وجود داشته است. این مسئله باعث شده بود که جمعیت انبوه در این منطقه سکونت داشته باشند و در نتیجه روستاها و شهرهای مختلفی به وجود آید. گردآمدن مردم در آن خطه حاصلخیز صدها سال پیش از میلاد مسیح، دولت‌هایی را تشکیل داده و تمدنی را در آنجا به وجود آورده بود. (کردی، ۱۴۲۰، ج ۱ ص ۳۲۸) داستان سد تاریخی این منطقه که بنام سد مأرب مشهور است در کتبی تاریخ ذکر شده است. (رازی؛ ۱۴۰۹؛ ص ۶۷۶)

از نظر گرایش به دین‌داری از دیرباز یمن سرزمینی بوده که بسیاری از اقوام و ملل مختلف و پیروان ادیان گوناگون در آن زندگی می‌کرده‌اند. لازم به ذکر است که بعد از اسلام، یمن به واسطه موقعیت جغرافیایی در مسیر حجاج قرار نداشته است لذا از بسیاری از اتفاقات فرهنگی به دور بوده است. (الحرازی، ۱۴۲۶، ص ۱۳۶) در مورد دین غالب و مذهب مردم یمن باید گفت از آنجاکه اهل یمن گاهی به سمت حبشه اقبال داشتند و گاهی هم رو به سرزمین فارس می‌کردند، دین غالب مردم یمن گاه یهودی بوده و گاهی هم نصرانی‌ها جمعیت غالب مردم یمن را تشکیل می‌دادند. (رک: یحیی بن الحسین، ۱۳۸۸ ق، ج ۱، ص ۵۵) این تنوع تا جایی است که مورخین، یمن را به‌عنوان کانون ادیان مختلف می‌شناسند. در یمن دین‌هایی همچون وثنیه (بت‌پرستی)، یهودی و نصرانی دیده می‌شده است. (رک: یحیی بن الحسین، ۱۳۸۸ ق، ج ۱، ص ۵۵) با ظهور اسلام مردم یمن گرایش زیادی به دین اسلام از خود نشان دادند تا جایی که گفته شده است یمن تنها منطقه‌ای است که مردمانش به‌صورت قبائلی و بدون جنگ و خونریزی به اسلام گرویدند. (طبری ۱۹۶۸ م، ج

تطور تاریخی تفسیر در یمن ۱۶۵

۲، ص ۲۵۵-۲۵۷؛ ابن هشام، ۱۳۵۵ق، ج ۱، ص ۷۱-۷۲؛ ابن سعد، بی تا، ج ۱، ص ۲۶۰؛ المسعودی، بی تا، ص ۲۵۹).

به جهت زبانی منطقه یمن، به نظر می‌رسد اعرابی که در شبه جزیره عربستان زندگی می‌کردند یک نوع عرب نبودند و گویش‌های مختلفی در آن منطقه وجود داشته است؛ در قسمت جنوب عربستان یعنی بین اعراب قحطانی، زبانی وجود دارد که در علم زبان‌شناسی به آن «عرب جنوبی» گفته می‌شود ولی اصلاً زبان عربی به مفهوم امروزی آن نیست و به شدت به زبان حبشی نزدیک است؛ یعنی فاصله قابل توجهی دارد با آنچه امروزه ما به آن زبان عربی می‌گوییم. اینکه یمنی‌ها امروزه به زبان عربی سخن می‌گویند در سیر تاریخ این اتفاق روی داده است یعنی مردم یمن به همان اندازه عرب شده‌اند که مصری‌ها عرب شده‌اند، آن‌ها از اول به این زبان سخن نمی‌گفتند! (پاکتچی، ۱۳۹۱، ص ۶۷) لذا در صدر اسلام یمنی‌ها جزء گروهی بودند که به دلیل تفاوت زبانی با اعراب شمالی، وضعیتشان در فهمیدن زبان عربی، شبیه وضعیت مصری‌ها و شامی‌ها و ایرانی‌ها بود لذا برای درک و فهم آیات قرآن نیازمند به تفسیر و توضیح آن بودند. به همین جهت است که پرداختن به یمن و نوع برخورد مردم آن با قرآن و تفسیر آیات الهی از اهمیت ویژه برخوردار است.

۲-۲ ورود اسلام به یمن و پذیرش مردم

اسلام در زمانی بروز و ظهور پیدا کرد که بشریت در ظلمت و جهل مطلق می‌زیست. به بیان قرآن، در هنگام طلوع اسلام، مردم غالباً در پایین‌ترین سطح فرهنگ و اخلاق اجتماعی زندگی می‌کردند: «وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (جمعه ۳/ مردم یمن نیز مانند سایر مردم به هنگام ظهور اسلام در جهالت، ظلمت و فقر بودند. در آن

ایام مردم یمن بواسطه گوناگونی عقاید موجود و نیز تشتت آراء بیشترین نیاز به حق را در خود احساس می کردند تا ایشان را به دور خود جمع کرده و نظام واحدی را در میان آنها برقرار سازد. دین حقی که آنها را به سوی صراط مستقیم هدایت نماید و عقل های آنان را از خرافات و گمراهی ها نجات بخشد. در چنین شرایطی وقتی خبر دعوت پیامبر اکرم (ص) به گوش مردم یمن رسید، بسیاری از مردم یمن نزد رسول اکرم (ص) آمدند تا ایمان خود به دعوت آن حضرت را اعلام کرده و رسالت او را تصدیق کردند. (حجری یمانی، ۱۴۱۶؛ ج ۲، ص ۷۵۳)

چنانکه در روایات نقل شده است مردم یمن به صورت گروهی به دین خدا گرویدند. یکی از این روایات که توسط فریقین نقل شده چنین است: «جاء اهل الیمن، هم أرق أفئده، الايمان يمان و الفقه يمان و الحکمه يمانیه» (الخطیب البغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱۱ ص ۳۷۶؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۶۹۱) مردم یمن برای شنیدن سخنان رسول اکرم (ص) به مکه می آمدند؛ به خطبه های ایشان گوش کرده و از سیره و افعال آن حضرت آگاه می شدند.

می توان گفت، یکی از مهم ترین عواملی که باعث شد تعداد بسیاری از مردم یمن، مسلمان شوند پیمان هایی بود که میان قبائل مهم یمن یعنی أشعریین، همدان، کنده، معافر، حمیر، حضرموت، مراد، ازد، خولان، زبید و أبناء با رسول خدا (ص) بسته شد. این پیمان ها، مشهورترین پیمان های اهل یمن است که با رسول خدا (ص) بسته شده و در حقیقت نمایندگان قبائل، سفرای یمن بودند که نزد رسول خدا (ص) آمده بودند و در بازگشت از سفر، اهل قبیله ی ایشان نیز مسلمان می شدند. (رک: حجری یمانی، مجموع بلدان الیمن و قبائلها)

۳- تفسیر قرآن در یمن

مفسران اهل یمن، برای تفسیر قرآن همانند سایر مفسرین، بجهت دستیابی به تفسیر صحیح قرآن، به مشهورترین راه‌ها اعتماد می‌کردند و تلاش‌های بسیاری در تبیین کتاب خدا و تفسیر آن و استنباط احکام الهی از خلال آیات از خود نشان داده‌اند. بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که این راه‌ها از میان موثق‌ترین طرق بوده است. راه‌هایی همچون تمسک به قرآن، سنت نبوی، اقوال صحابه، اقوال تابعین، لغت و زبان عربی و اجتهاد، در همه‌ی ادوار تاریخی بچشم می‌خورد؛ با این توضیح که در همه این ادوار، تلاش‌ها و کوشش‌های بسیاری برای دستیابی و نگارش تفسیر صحیح قرآن همواره وجود داشته است، تفسیر قرآن در یمن در ادوار تاریخی گوناگون مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۳-۱ تفسیر قرآن در یمن در دوران رسول خدا (ص)

برخی بر این باورند که در قرن اول و به ویژه در روزگار آغازین اسلام، مردمان بجهت آشنایی با زبان نیازی به تفسیر قرآن نداشتند و قرآن برای همگان قابل فهم بوده است؛ اما نکاتی از جمله تفاوت‌های زبانی و متفاوت بودن سطح آگاهی باعث می‌شود که مردم در آن زمان نیز به تفسیر قرآن نیازمند باشند. سرزمین یمن در آن ایام از این قاعده مستثنا نبوده است.

به طور کلی پیامبر (ص) مرجع اصلی برای حل مسائل مردم و آموزش به ایشان بوده و به همین جهت از همه بلاد از جمله یمن مردمانی به سوی پیامبر (ص) آمده و توفیق شاگردی ایشان را پیدا می‌کردند و از آن حضرت علم می‌آموختند و گاه در علم دین به درجات بالایی دست می‌یافتند. این افراد در تعلیم علم و فراگیری قرآن

بسیار کوشا بوده و برای هم‌نشینی با رسول خدا (ص)، شنیدن اقوال و خطبه‌های آن حضرت با جدوجهد می‌کوشیدند. این گروه از افراد معمولاً بعد از درس گرفتن از محضر رسول خدا (ص) به سوی قوم خود بازمی‌گشتند و در حقیقت معلم و فقیه و مفسر قرآن برای مردم یمن بودند. ایشان احکام الهی، تعالیم دینی و احکام شرعی را برای مردم دیار خود بازگو می‌کردند. (ابن حسان، ۱۴۲۶ق، ص ۵۱)

مهم‌ترین اتفاقی که در زمینه‌ی تفسیر قرآن در دوران نبی اکرم (ص) در یمن روی داده آشنایی مردم با دین اسلام و مسلمان شدن اهالی یمن بوده و در مرحله بعد از آن نقل روایات نبوی در مسیر بیان دستورات دینی و آشنایی مردم با مفاهیم دینی و قرآنی توسط فرستادگان پیامبر (ص) به سوی مردم یمن است. (ابن حسان، ۱۴۲۶ق، ص ۵۲)

اهمیت مسئله نقل روایات نبوی در مسیر تفسیر قرآن آن قدر زیاد است که بعدها در یمن تفاسیری با رویکرد روایات نبوی نوشته شده است. می‌توان گفت مرحله اول از رشد علم تفسیر و نگارش‌های تفسیری در یمن از زمان رسول اکرم (ص) آغاز شده و بعد از این مرحله تفسیر در یمن وارد مرحله جدیدتری می‌گردد؛ تفسیر قرآن در زمان صحابه و به دنبال آن در دوران تابعین ابعاد تازه‌تری پیدا می‌کند.

۲-۳ تفسیر قرآن در یمن در زمان صحابه

از آنجاکه تعدادی از اصحاب در زمان رسول اکرم (ص) به سوی مردم یمن رفته و در دعوت ایشان به اسلام و نیز آگاهی مردم نقش داشتند، دوران صحابه را نمی‌توان از دوران رسول اکرم (ص) مستقل و مجزا دانست.

لازم به ذکر است که علاوه بر اینکه مردم یمن به حضور رسول اکرم (ص) می‌آمدند، پیامبر (ص) نیز چندین نفر از بهترین اصحاب خود که معمولاً از فضلاء و

تطور تاریخی تفسیر در یمن ۱۶۹

علماء (رک: حسن بن علی (شیخ طوسی)، ۱۴۱۰ ق، الموتلف من المختلف بین أئمة السلف ج ۱۶ ص ۶۵) دین بودند را نزد مردم یمن فرستادند تا مردم را به سوی اسلام دعوت کرده و تعالیم اسلامی را برای ایشان بازگو کرده و کتاب خدا و همچنین سنت رسول خدا (ص) را به مردم بیاموزند. (ابن خلدون، بی تا، ج ۲، ص ۱۸۰). این فرستادگان مسئولیت های دیگری همچون قضاوت میان مردم و نیز جمع آوری صدقات را نیز بر عهده داشتند.

گروهی از مشهورترین صحابه در زمان رسول خدا (ص) به عنوان معلم، فقیه یا قاضی به سوی مردم یمن فرستاده شدند؛ این صحابه به ترتیب سالی که به یمن سفر کرده اند عبارت اند از:

- ابو عبدالرحمان معاذ بن جبل الانصاری الخزرجی (در مورد جزئیات سفر معاذ به یمن رک: موسوی اردبیلی، ۱۴۲۱ ق، ج ۱، ص ۷۸؛ حسن بن علی (شیخ طوسی)، ۱۳۸۷ ق، المبسوط ج ۱۶، ص ۶۹؛ بخاری، ۱۴۱۴، ج ۳ ص ۷۳؛ سبحانی، ۱۴۱۸ ق، ج ۱، ص ۸۴)

مورخین نقل می کنند که معاذ از بهترین جوانان قوم خود بود و برای دین اسلام از هیچ چیز دریغ نداشت تا جایی که تمامی اموالش را در راه اسلام خرج کرد. (حسن بن یوسف (علامه حلی)، بی تا، ج ۱۴، ص ۲۲) وی از جانب رسول اکرم (ص) به همراه نامه و کمک هایی برای ساخت مسجد در یمن، در ربیع الاول سال نهم هجری به یمن سفر کرد (عسقلانی، ۱۳۹۸، ج ۳، ص ۴۰۶؛ ابن اثیر، بی تا، ج ۴، ص ۳۷۶؛ ابن عبد البر، بی تا، ج ۳، ص ۳۳۵؛ ابن سعد، بی تا، ج ۳، ص ۱۲۰؛ الذهبی، بی تا، ج ۱، ص ۱۹؛ ابن جزری، ق ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۳۰۱).

- علی بن ابیطالب (ع)

بنابر نقل‌های تاریخی علی بن ابیطالب (ع) سه بار به یمن مسافرت کرده است. (الصنعانی، بی‌تا، ص ۱۹؛ شرف‌الدین، ۱۴۰۰، ص ۱۴) بار اول در سال نهم هجری (الصنعانی، ص ۱۹؛ شرف‌الدین، ۱۴۰۰، ق، ص ۱۴) برای دعوت مردم یمن (ابن کثیر، ۱۹۶۶ م، ج ۷، ص ۳۸۲) سفر دوم در سال دهم هجری به درخواست مردم یمن (الأهدلی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۲۹) و به‌عنوان قاضی (القمی الشیرازی، ۱۴۱۸ ق، ص ۴۴۱) و سفر سوم در زمان ابوبکر به‌عنوان معلم قرآن و فقیه، برای رسیدگی به امور مردم یمن و شرایط یمن بوده است. (الحموی، ۱۳۲۴ ق، ج ۸، ص ۶۷).

برخی از مورخین ذکر کرده‌اند که حضرت علی (ع) به مردم یمن، قرآن و تعالیم دینی را آموزش داده‌اند (حمیری، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۱۷۲۴) چنانکه بیان شد پیامبر (ص) قبل از حضرت علی (ع) دیگرانی همچون معاذ بن جبل را به یمن فرستاده بودند اما چون توفیق زیادی به دست نیاورده بود لذا پیامبر (ص) علی بن ابی‌طالب (ع) را به یمن فرستاد. ایشان افراد قبیله «حمدان» که از بزرگ‌ترین قبایل یمن بودند را برای شنیدن نامه پیامبر اکرم (ص) دعوت کرد. در تاریخ نقل شده است که عظمت این ملاقات آن‌چنان قبیله حمدان را تحت تأثیر قرارداد که همه آن‌ها در مدت یک روز اسلام آوردند (طبری، ۱۹۶۸، ج ۴، ص ۱۲۶۲). پس از حمدان، قبایل مذحج و نخع نیز به دست حضرت علی (ع) اسلام آوردند. (در مورد حضور علی (ع) در یمن روایات بسیاری وجود دارد. (رک: اسماعیل بن ابی‌الغدا، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۵۰؛ الأمین، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۸۸).

- ابوموسی اشعری؛ او نیز به‌عنوان معلم و فقیه به یمن سفر کرده است (ابن

عساکر، ۱۴۱۵، ج ۱۹، ص ۲۱۵)

بنا بر نقل‌های تاریخی پیامبر (ص) ابوموسی اشعری را نیز به‌سوی یمن فرستاده بودند تا صدقات مردم یمن را جمع‌آوری کند و برای مردم یمن قاضی باشد. او نیز تا زمان خلفا به این کار مشغول بود اما بعدها به ولایت شهرهای دیگر مأمور شد. (بلاذری، بی‌تا، ص ۳۶۲)

بدین ترتیب می‌توان گفت که مردم یمن در زمان صحابه کم‌وبیش با تفسیر قرآن، به‌واسطه حضور صحابه در میان ایشان یا سفر صحابه به محضر رسول خدا (ص) آشنایی داشتند و برای فراگیری قرآن اهتمام ویژه داشته و در این راستا تفاسیری هرچند مختصر نوشته شده است.

۳-۳ تفسیر قرآن در یمن در زمان تابعین

بسیاری از تابعین نظرات خود در مورد قرآن را از صحابه دریافت کرده بودند. ایشان - اهل هر سرزمینی که باشند- بر اساس روایاتی که شنیده بودند و آنچه از اصحاب وارد شده بود، روایات بخصوص روایات تفسیری را نقل می‌کردند. تابعین معمولاً از اصحابی نقل روایت می‌کردند که در سرزمین آن‌ها سکونت داشتند. برخی از تابعین هم بودند که دائماً از شهری به شهر دیگر برای کسب علم و شنیدن روایات صحابه در حال حرکت و سفر بودند.

در کتاب‌های تراجم و سیر، گروهی از تابعین از اهل یمن ذکر شده‌اند، ایشان معمولاً در یمن زندگی می‌کرده و در علوم به شهرت رسیده بودند؛ آثار بسیاری نیز از آن‌ها برجای مانده است. (رک: ابن سعد، بی‌تا، ج ۵، ص ۵۳۵؛ الجعدی، ۱۹۷۵ م، ص ۵۶؛ الأهدل الیمنی، ۱۴۰۷، ص ۵۶-۸۷). از آن جمله می‌توان به طاووس بن کیسان و وهب بن منبه، کعب بن ماتع بن ذی هجن الحمیری، حجر بن قیس الهمدانی

المدری، ابو خلیفه القارئ الطائی البصری و دیگران اشاره کرد. پرداختن به شرح حال همه این افراد از مجال این بحث خارج است. (رک: عسقلانی، ۱۳۲۵ق، ج ۹، ص ۵۳۰؛ علامه حلی، بی تا، ج ۲ ص ۱۸۹؛ بن خلکان، بی تا، ج ۱، ص ۴۸۴)

برخی از تابعین مستقیماً عهده‌دار تعلیم و تعلم قرآن در یمن بوده‌اند و می‌توان از آن‌ها به عنوان سپاه نشر علم دین و مفسر کتاب خدا و مبیین سنت نبوی در یمن یاد کرد. این افراد با تلاش‌های خود مرحله‌ای از مراحل رشد و نمو تفسیر قرآن در یمن را تشکیل می‌دهند.

تفسیر قرآن در زمان تابعین در یمن و فور و اقبال چندانی نداشته است و شهرت یمن در این زمینه (تفسیر قرآن) همانند سایر مناطق بلاد اسلامی مثل حجاز و شام و عراق نبوده است. (رازی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۳) این مسئله دارای دلایلی است که برخی از این دلایل عبارت‌اند از:

الف: بسیاری از تابعین اهل یمن، سرزمین خود را ترک کرده و در سایر بلاد اسلامی ساکن شده بودند. از جمله این افراد می‌توان موارد زیر را نام برد:

عطاء بن اُبی رباح بن اُسلم بن صفوان الجندی که در مکه ساکن و مفتی آنجا شده بود. (کحاله، ۱۳۷۶ق، ج ۶، ص ۲۸۳) زمعه بن ساحل الجندی نیز از جمله افرادی است که در مکه ساکن بوده است. (عسقلانی، ۱۳۲۵، ج ۳، ص ۲۹۲) افراد دیگری از تابعین، از جمله عامر بن شراحیل الشعبی الحمیری (ابن عساکر، بی تا، الاربعین البلدانیه، ص ۱۵۷؛ طبرانی، ۱۴۱۲، ص ۱۲۲؛ المبارکفوری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۷۴ و ج ۲، ص ۲۹۸؛ البغدادی، ۱۳۹۵ق، ص ۱۹۶) و نیز مسروق بن الأجدع بن مالک الهمدانی (ابن سعد، بی تا، ج ۶، ص ۷۶) ساکن عراق بوده‌اند. دیگرانی همچون ابو عمرو الاوزاعی الحمیری (ابن سعد، بی تا، ج ۷، ص ۴۸۸) در شام ساکن بوده‌اند.

تطور تاریخی تفسیر در یمن ۱۷۳

ب: برخی از این تابعین اهل یمن، در غزوات رسول خدا (ص) شرکت کرده بودند و بعدها نیز چون خلفا را برای جهاد در سرزمین‌های شام و عراق تنها دیده، به یاری آن‌ها رفته بودند و به فتوحات و جهاد در راه خدا مشغول بودند. به طوری که در برخی از کتب تاریخی آمده است یکی از مواردی که در زمینه جهاد رسول خدا (ص) به آن اهتمام داشت، جنگ با روم بود؛ خلیفه اول برای اهل یمن نامه نوشت و توسط انس بن مالک برای آن‌ها فرستاد و ایشان برای کارزار با روم دعوت کرد. (رک: الواقدی، بی تا، ج ۱، ص ۶) نقل شده است که به واسطه حضور مردم یمن در نبرد با روم بوده است که مسلمانان پیروز می شوند و البته این مسئله باعث می شود که بسیاری از تابعین یمن در مصر و شام مانده و حتی آن بلاد را برای خود به عنوان وطن انتخاب کنند.

این دو دلیل مهم ترین دلایلی هستند که باعث شده اند که تفسیر در زمان تابعین در یمن؛ غیر معمول و غیر مشهور؛ بوده و از رونق کمتری برخوردار باشد البته این سخن به معنای افول کامل تفسیر در یمن در دوره تابعین نیست.

با این وجود، ذکر یک نکته ضروری است و آن هم اینکه تابعین، علم را از صحابه رسول خدا (ص) دریافت کرده بودند و همچنین تفسیر قرآن را از صحابه آموخته بودند لذا تفاسیر اهل یمن مملو از اقوال تابعین است. این وضعیت در تفاسیر روایی یمن بیشتر دیده می شود. مشهورترین تفاسیر متقدم یمن که در زمره تفسیر تابعین می توان از آن نام برد تفسیر عبدالرزاق صنعانی است. در این تفسیر حدود ۳۷۷۰ روایت نقل شده که ۲۴۵۱ عدد از آن روایاتی است که از تابعین نقل کرده است. (ابن

حسان، ۱۴۲۶ق، ص ۸۲۸)

به طور کلی می‌توان گفت که تابعین صرف‌نظر از شرایط موجود این افراد نسبت به امر تفسیر قرآن و نگارش آن اهتمام داشته‌اند و روایات بسیاری را در این زمینه نقل کرده‌اند.

۳-۴ تفسیر قرآن در یمن در زمان تبع تابعین

بعد از دوران تابعین، نوبت به دوران تبع تابعین می‌رسد (التمیمی، ۱۴۰۸ق، ص ۳۰۴-۳۰۷؛ ابن سعد، ج ۵، ص ۵۴۵-۵۴۸؛ الجعدی، ۱۹۷۵م، ص ۶۶-۶۸؛ الأهدل الیمینی، ۱۴۰۷ق، ص ۸۷-۹۱) این گروه اقوال صحابه و تابعین در خصوص تفسیر قرآن را جمع‌آوری کرده‌اند. بسیاری از مردم نیز بودند که به نواحی گوناگون سفر می‌کردند تا آنچه در مورد تفسیر و نیز روایات ذکر شده بود را جمع‌آوری کنند. این افراد تلاش‌های بسیاری در نشر علوم اسلامی بخصوص در زمینه‌ی تفسیر قرآن و نگارش آن و نیز تبیین سنت رسول خدا (ص) داشته‌اند.

از مهم‌ترین مشاهیر علماء در میان اتباع تابعین که اهل یمن بودند و آنجا را وطن خود قرار داده و در آنجا به نشر علم دین و تفسیر قرآن می‌پرداختند می‌توان به اشخاص زیر اشاره کرد:

- عبدالله بن طاووس بن کیسان یمانی؛ او از جمله داناترین و خوش‌خلق‌ترین مردم بوده است که در سال ۱۳۲ وفات کرده است. علماء علم رجال وی را جزو ثقات بشمار می‌آورند. (البستی، ۱۳۹۷ق، ج ۶، ص ۱۸۵؛ التمیمی، ۱۴۰۸ق، ص ۳۰۷؛ عسقلانی، ۱۳۲۵ق، ج ۲، ص ۴۲۳).

- الحکم بن أبان ابو عیسیٰ العدنی؛ او اصالتاً اهل مدینه است اما در یمن ساکن بوده است. او محدثی فاضل و ثقة بشمار می‌آید که در سال ۱۵۴ وفات یافته است.

تطور تاریخی تفسیر در یمن ۱۷۵

(عسقلانی، ۱۳۲۵ق، ج ۲، ص ۴۲۳؛ ابن سعد، بی تا، ج ۵، ص ۵۴۵؛ الجعدی، ۱۹۷۵م، ص ۶۶؛ شرف‌الدین، ۱۴۰۰ق، ص ۳۱)

- همام بن نافع الحمیری؛ او بدر عبدالرزاق صنعانی است که از جمله ی بزرگان و عباد یمن می‌باشد. (التمیمی، ۱۴۰۸ق، ص ۳۰۶؛ البستی، ۱۳۹۷م، ج ۷، ص ۵۸۶؛ عسقلانی، ۱۳۲۵ق، ج ۱۱، ص ۷۶)

- از جمله دیگر افرادی که در یمن ساکن بوده‌اند و آن‌ها را در زمره تبع تابعین بشمار می‌آورند می‌توان به عطاء بن مسلم الصناعی؛ (رک: حبان بن أحمد التمیمی، ص ۳۰۵؛ حبان بن أحمد البستی، ج ۷، ص ۲۵۳؛ ابن حجر عسقلانی، ج ۷، ص ۲۱۲) ثابت بن سعد بن ابیض بن حمال المأربی؛ (رک: التمیمی، ۱۴۰۸ق، ص ۳۰۶؛ البستی، ۱۳۹۷ق، ج ۶، ص ۱۲۵؛ عسقلانی، ۱۳۲۵ق، ج ۷، ص ۲۵۵) و عقیل بن معقل بن منبه (رک: التمیمی، ۱۴۰۸ق، ص ۳۰۴؛ البستی، ۱۳۹۷ق، ج ۷، ص ۲۹۴؛ عسقلانی، ۱۳۲۵ق، ج ۷، ص ۲۵۵) اشاره کرد.

ذکر این نکته ضروری است که تعداد افرادی که جزو تبع تابعین به شمار می‌آیند و از سرزمین‌های دیگر وارد یمن شده‌اند بسیار زیاد است و در این بحث نمی‌گنجد.

(رک: ابن سعد، بی تا، ج ۵، ص ۵۴۵-۵۴۸؛ الجعدی، ۱۹۷۵م، ص ۶۶-۶۸)

چنانکه قبلاً نیز بیان شده در دوران تابعین در یمن، تفسیر از رشد و پویایی خاصی برخوردار بوده است. لذا تبع تابعین نیز در نقل روایات خود بسیاری از اقوال تابعین را نقل کرده‌اند. می‌توان گفت در دوره تبع تابعین، تفسیر و نگارش‌های تفسیری تا حدودی از رکود دوران تابعین فاصله می‌گیرد.

۳-۵ تفسیر قرآن در یمن بعد از دوران تبع تابعین

در این دوران تفسیر قرآن در یمن وارد مرحله ای جدید، پر از پویایی و نشاط می شود. عوامل بسیاری در این مسئله دخیل است که مهم ترین آن ها ورود تعداد زیادی از علماء به یمن و تلاش های بسیار ایشان برای انتقال و رشد و نمو علم در این دوران است. این افراد در حرکت علمی؛ نشاط و پویایی علم در یمن سهم بسیاری داشته اند و باعث به وجود آمدن تعداد بسیاری از علماء در دوره های بعدی نیز شده اند. از جمله این افراد برای نمونه می توان به موارد زیر اشاره کرد: عبدالملک بن عبدالعزیز بن جریح (م ۱۵۳)؛ أبو عروه معمر بن راشد البصری (م ۱۵۳)؛ سفیان بن عیینه (م ۱۹۸)؛ اسحاق بن راهویه (م ۲۳۸)؛ الامام أحمد بن حنبل (م ۲۴۱).

تفسیر در یمن، بعد از دوران تبع تابعین، در طول قرون متمادی، با تألیف کتب تفسیری گوناگون ادامه پیدا می کند. برخی از این تألیفات به صورت خطی و برخی دیگر چاپ شده هستند؛ برخی از این تفاسیر موجود هستند و بعضی دیگر در طول تاریخ مفقود شده اند. (در ادامه برخی از این کتب ذکر خواهند شد)

۳-۶ تفسیر قرآن در یمن در دوران متأخر

تلاش های اهل یمن برای نگارش کتب تفسیری تا قرون معاصر نیز ادامه پیدا کرده و مفسرین زیادی به عرصه ظهور رسیده اند. از آن جمله می توان به «محمد بن اسماعیل بن صلاح بن محمد بن علی» معروف به أمير الحسنی الیمنی (م ۱۱۸۲) اشاره کرد. از وی تألیفات تفسیری زیادی برجای مانده است؛ سه کتاب «مفاتیح الرضوان فی تفسیر الذکر بالآثار و القرآن» و «تفسیر غریب القرآن» و «الإيضاح و البیان فی تحقیق عبارات قصص القرآن» از این مفسر بزرگ است.

از دیگر این افراد محمد بن علی بن محمد بن عبدالله بن الحسن الشوکانی (م ۱۲۵۰) است. وی علاوه بر تألیفات بسیاری که در زمینه‌های گوناگون از جمله حدیث؛ فقه و اصول و تاریخ به نگارش درآورده و کتاب‌های زیادی در زمینه تفسیر قرآن دارد. کتاب تفسیری «فتح الغدیر الجامع بین فنی الروایه و الدرایه من علم التفسیر» از آثار اوست که به چاپ نیز رسیده است. کتاب‌های دیگر وی با عناوین «النشر القدیر فی الفرق بین المقدره و التعذیر» که به صورت خطی است. علاوه بر این کتب، تألیفات تفسیری دیگری نیز از وی به یادگار مانده است. (ابن حسان، ۱۴۲۶ق، ص ۲۵۰)

بعد از بیان ادوار گوناگون تاریخ تفسیر قرآن و تبیین زمینه نگارش‌های تفسیری در یمن مهم‌ترین تفاسیر نوشته شده در یمن معرفی می‌شود:

۴- تألیفات تفسیری در یمن

چنانکه بیان شد در طول قرون متمادی، علماء بسیاری در یمن ساکن بوده اند و تلاش‌های علمی بسیاری را انجام داده‌اند که بخش عمده‌ای از این تلاش‌ها در زمینه توضیح، تفسیر و بیان کتاب خدا است. علاوه بر بررسی‌های تاریخی، از زوایای دیگری نیز می‌توان نگارش‌های تفسیری در یمن را تقسیم‌بندی کرد. مثلاً تفاسیر نگاشته شده در یمن از منظر روش‌های تفسیری نیز قابل دقت و بررسی است.



برخی از این روشهای استفاده در تالیفات تفسیری در یمن به شرح زیر است :

۴-۱ تألیفاتی که به تفسیر همه آیات و سوره قرآن پرداخته‌اند:

برخی از این تالیفات به صورت کتب خطی بجای مانده‌اند. برخی نیز به چاپ رسیده و البته بخشی هم در طول تاریخ مفقود شده‌اند؛ مهم‌ترین این تفاسیر به ترتیب زمان وقت مؤلف عبارت‌اند از:

- «تفسیر القرآن» نوشته وهب ابن منبه الصنعانی (م ۱۱۰)

چنانکه قبلاً نیز ذکر شد وهب بن منبه از جمله تابعین یمن بشمار می‌رود. کتاب او بانام «تفسیر القرآن» از جمله کتبی است که به تفسیر تمام آیات قرآن پرداخته است. این کتاب به صورت یک نسخه خطی در کتابخانه سالار جنگ هند موجود است. البته این نسخه که در قرن ۶ هجری کتابت شده، ناقص بوده و فقط از سوره الزمر تا سوره الواقعة را دارد. (جماعة من الکتاب، ۱۳۹۸ق، ج ۱، ص ۱۷)

- «تفسیر القرآن» نوشته أبو محمد موسی عبدالرحمن الثقفی الصنعانی (م ۱۹۰)

عبد الرحمن ثقفی یکی از تابعین است و کتاب او به صورت یک نسخه خطی در کتابخانه ایتالیا نگهداری می‌شود و اگر به صورت کامل در مورد تمام سوره‌های قرآن بوده است اما اکنون فقط از سوره مریم تا سوره الصافات موجود است؛ در نسخه دیگری که در کتابخانه مدینه وجود دارد فقط معوذتین در اختیار است. (سزگین، ۱۹۷۷، ج ۱، ص ۹۰)

- «تفسیر القرآن» نوشته الامام عبدالرزاق بن همام الصنعانی (م ۲۱۱)

چنانکه قبلاً نیز بیان شد مشهورترین تفاسیر متقدم یمن که در زمره تفسیر تابعین می‌توان از آن نام برد تفسیر عبدالرزاق صنعانی است.

تطور تاریخی تفسیر در یمن ۱۷۹

از این کتاب چندین نسخه خطی وجود دارد که مهم ترین آن ها در کتابخانه قاهره می باشد و در سال ۷۲۴ ق کتابت شده است.

علاوه بر نسخ خطی، این کتاب چندین بار به چاپ رسیده است که از جمله می توان به چاپ ریاض در سال ۱۴۱۰ قمری و نیز چاپ بیروت در سال ۱۴۱۱ قمری اشاره کرد.

لازم به ذکر است که حدود ۵۴ عنوان تفسیر از اهالی یمن برجای مانده است که تمامی این کتب به تفسیر کل آیات قرآن اهتمام داشته اند اگرچه بسیاری از آن ها امروز در اختیار نیست. (ابن حسان، ۱۴۲۶ ق، ص ۲۶۹-۳۵۹)
برحسب زمان وفات مؤلف آخرین کتابی که با رویکرد تفسیر کل قرآن نوشته شده است.

- «البرهان فی إعراب آیات القرآن» نوشته أحمد میقری بن أحمد حسین شمیله الأهدلی (م ۱۳۹۰)

این کتاب که شامل إعراب همه کلمات قرآن است در ۶ جلد توسط المکتبه العصریه بیروت در سال ۱۴۲۲ چاپ شده است. اما تحقیقی در مورد آن صورت نگرفته است.

۲-۴ تألیفاتی که به تفسیر برخی از آیات و یا سور قرآن پرداخته اند:

صرف نظر از دوره ی تاریخی نگارش برخی از تألیفات تفسیری در یمن وجود دارند که به تفسیر برخی از سور پرداخته اند و گاه فقط آیه یا آیاتی را تفسیر کرده اند. حدود ۳۸ عنوان کتاب از اهل یمن با این سبک و سیاق نوشته شده است. (ابن حسان، ۱۴۲۶ ق، ص ۳۶۰-۳۸۵) از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- «رساله فی شرح سوره الإخلاص» نوشته محمد بن عمر بن بحر الحضرمی (م ۹۳۰) این کتاب به صورت نسخه خطی در کتابخانه پنجاب پاکستان موجود است. (جماعة من الکتاب، ۱۳۹۸ق، ج ۵ ص ۵۵۶)
- «تفسیر آیه الکرسی» نوشته محمد بن عمر بن بحر الحضرمی (م ۹۳۰). (عیسوی، ۱۳۹۸ق، ص ۸۱۰) این کتاب به صورت نسخه خطی در کتابخانه پنجاب پاکستان موجود است. (کوکب، ۱۹۸۳ م، ج ۳۶، ص ۳۳۹)

۴-۳ تفاسیر نوشته شده با تمرکز بر روایات نبوی

- به تفاسیر نگاشته شده در یمن از منظر دیگری هم می توان نگاه کرد و آن اینکه برخی از تفاسیری که در یمن نوشته شده به نقل روایات نبوی متمرکز هستند؛ این مسئله ارتباط چندانی به دوره تاریخی نگارش تفسیر ندارد. برخی از این تفاسیر به ترتیب تاریخ نگارش عبارت اند از :
- «تفسیر البیان لأحكام القرآن» نوشته محمد بن علی نورالدین بن عبدالله بن ابراهیم الموزعی (م ۸۲۵) اشاره کرد.
- «الثمرات البانعه و الأحكام الواضحه» نوشته یوسف بن أحمد بن محمد بن عثمان الثلاثی (م ۸۳۲) است. در این کتاب، روایات معارض نیز نقل شده است.
- «مفاتیح الرضوان فی تفسیر الذکر بالآثار و القرآن» نوشته محمد بن اسماعیل بن صلاح الأمير الصنعانی (م ۱۱۸۲) است. وی در این کتاب سعی کرده که اهمیت روایات نبوی در حوزه تفسیر قرآن و نیز اهمیت و برتری آن بر سایر روایات را نشان دهد.
- «فتح القدير الجامع بين فنی الروایه و الداریه من علم التفسیر» تألیف محمد بن علی الشوکانی (م ۱۲۵۰)

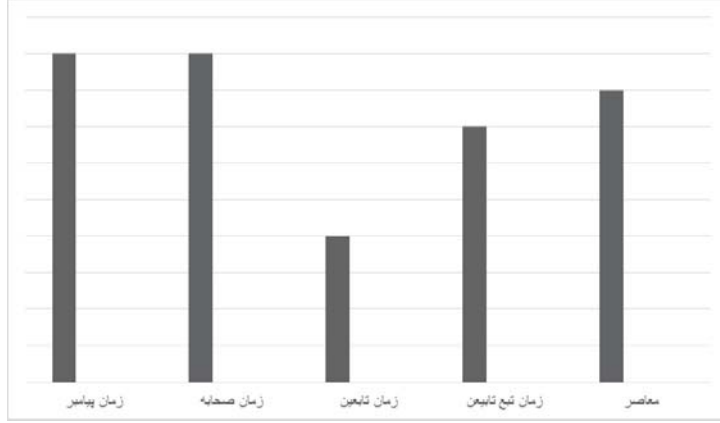
چنانکه ملاحظه می‌شود در همه ادوار تاریخی در یمن، تفاسیری با تمرکز بر روایات نبوی نوشته شده است و مفسرین در یمن برای این گروه از روایات اهمیت ویژه‌ای قائل بوده و هستند.

نتیجه‌گیری

بعد از بررسی‌های انجام‌شده به نظر می‌رسد که مردم یمن از نخستین روزهای نزول قرآن همواره در مسیر تعلیم قرآن قرار داشته‌اند و در این راه، علاوه بر یادگیری آیات الهی به فراگیری تفسیر آیات قرآن نیز اهتمام داشته‌اند. در تمام ادوار تاریخی مربوط به یمن، از زمان رسول اکرم (ص) و دوره‌های بعد از ایشان این تلاش‌ها دیده می‌شود به طوری که حتی در دوران معاصر نیز تلاش‌هایی در این زمینه وجود دارد. این سخن بدان معنی است که از صدر اسلام تاکنون، هیچ دوره‌ای را نمی‌توان یافت که در یمن، مردم به تفسیر قرآن توجه نداشته باشند؛ ممکن است در برخی از ادوار مثل دوران تبع تابعین اقبال مردم به تفسیر بیشتر یا مثلاً در دورانی مثل دوران تابعین توجهات به تفسیر بنا به دلایلی کم شده باشد اما هرگز دورانی یافت نمی‌شود که این توجهات وجود نداشته باشد.

به هر حال با توجه موقعیت یمن، این میزان از توجهات به قرآن و همچنین تفسیر آن و سیر تاریخی در این سرزمین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

فراز و فرودهای موجود در نگارش‌های تفسیری یمن با توجه به بازه زمانی :



کتابنامه

١. ابن الاثیر، عزالدین، (بی تا)، أسد الغابه فی معرفه الصحابه، ریاض: نشر المکتبه الاسلامیه.
٢. ابن الجرزی؛ محمد، (١٤٠٠ ق)، غایة النهایة فی طبقات القراء: دارالکاتب العربی للطباعة و النشر.
٣. ابن حسان؛ علی، (١٤٢٦ ق)، التفسیر فی الیمن، ریاض: جامعه ملک سعود.
٤. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، (بی تا)، تاریخ ابن خلدون، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
٥. ابن خلکان، محمد بن أبی بکر، (بی تا)، وفيات الاعیان، بیروت: دار صادر.
٦. ابن سعد، محمد، (بی تا)، الطبقات الکبری، بیروت: دار صادر.
٧. ابن عبدالبر، محمد، (بی تا)، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب؛ مکتبه نهضة مصر و مطبعتها: مصر.
٨. ابن عساکر، علی بن حسب بن هبة الله، (١٤١٥ ق)، تاریخ مدینة دمشق، تحقیق علی شیری، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
٩. ابن عساکر، علی بن حسب بن هبة الله، (بی تا)، الاربعین البلدانیه، تحقیق محمد مطیع الحافظ: دارالفکر المعاصر بیروت - دارالفکر دمشق.
١٠. ابن کثیر، حافظ، (١٩٦٦ م)، البدایة و النهایة، بیروت: مکتبه المعارف.

تطور تاريخي تفسير در يمن ١٨٣

١١. ابن هشام، عبد الملك، (١٣٥٥ق)، السيرة النبوية، الرياض: دارالمغنى.
١٢. اسماعيل بن أبي الغداء، عماد الدين، (بي تا)، المختصر في أخبار البشر: مطبعة الحسينية المصرية.
١٣. الأمين، سيدمحسن، أعيان الشيعة، (بي تا)، دارالتعارف للمطبوعات، تحقيق حسن الأمين، بيروت.
١٤. الأهدل اليمني؛ بدرالدين أبي عبدالله الحسين بن عبدالرحمن بن محمد، (١٤٠٧ق)، تحفه الزمن في تاريخ اليمن، بيروت: دار التنوير للطباعة و النشر.
١٥. الأهدلى، سيد محمدعلى، (بي تا)، نثر الدر المكنون من الفضائل اليمن الميمون، مصر: مطبعة زهران.
١٦. بخارى، محمد بن اسماعيل، (١٤١٤ق)، صحيح البخارى، بيروت: دار ابن كثير.
١٧. البستي، حبان بن احمد، (١٣٩٧ ق)، الثقات، هند: مجلس دائرة المعارف العثمانية.
١٨. البغدادي، الخطيب، (١٣٩٥ق)، الرحلة في طلب الحديث، تحقيق نورالدين عتر، بيروت: دارالكتب العلمية.
١٩. بلاذرى، أحمد بن يحيى بن جابر، (بي تا)، فتوح البلدان، نشره و وضع ملاحقه و فهارسه الدكتور صلاح الدين المنجد، القاهرة: مكتبة النهضة المصرية.
٢٠. پاكتنجى، احمد، (١٣٩١ ش)، تاريخ تفسير قرآن كريم، تهران: دانشگاه امام صادق.
٢١. التميمي، حبان بن أحمد، (١٤٠٨ ق)، مشاهير العلماء الامصار و أعلام فقهاء الأقطار، بيروت: موسسه الكتب الثقافيه.
٢٢. الجعدى، على بن سمره، (١٩٧٥ ق)، طبقات فقهاء اليمن، قاهره: مطبعه السنه المحمديه.
٢٣. جماعة من الكتّاب، (١٩٨٩ ق)، وضع المجمع الملكى لبحوث الحضاره الاسلاميه، الفهرس الشامل للتراث العربى الإسلامى المخطوط، عمان: موسسه آل البيت.
٢٤. حجرى يمانى، محمد بن أحمد، (١٤١٦ق)، مجموع بلدان اليمن و قبائلها، صنعاء: دارالحكمه اليمانيه.
٢٥. الحرازى، المهدي محمد، (١٤٢٦ ق)، تراجم العلماء اليمن بين الواقع و الطموح، يمن: بي نا.

٢٦. حسن بن علی (شیخ طوسی)، (١٣٨٧ق)، المبسوط، تهران: المكتبة المرتضوية لأحياء آثار جعفرية.
٢٧. حسن بن علی (شیخ طوسی)، (١٤١٠ ق)، بین أئمة السلف، المؤلف من المختلف، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
٢٨. حسن بن يوسف (علامه حلی)، (بی تا)، تذكرة الفقهاء، منشورات المكتبة المرتضوية لآثار الجعفرية.
٢٩. الحموی، عبدالله یاقوت بین عبدالله، (١٣٢٤ق)، معجم البلدان، مصر: مطبعة السعادة.
٣٠. حمیری، عبدالله، (١٤٢١ ق)، الحديث و المحدثون فی اليمن، ریاض: مكتبة الرشد.
٣١. الذهبي، شمس الدين، (بی تا)، تذكرة الحفاظ، بیروت: دارأحیا التراث العربي.
٣٢. رازی، احمد بن عبدالله، (١٤٠٩ ق)، تاریخ مدینه صنعاء و کتاب الاختصاص، بیروت: دارالفکر.
٣٣. سبحانی، جعفر (اللجنة العلمية فی مؤسسة الامام الصادق (ع))، (١٤١٨ ق)، موسوعة طبقات الفقهاء، قم: مؤسسة الامام الصادق (ع).
٣٤. سزگین، فؤاد، (١٩٧٧ م)، تاریخ التراث العربي، مصر: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
٣٥. شرف الدين، أحمد حسين، (١٤٠٠ ق)، تاریخ الفكر الاسلامی فی اليمن، ریاض: مطابع الرياض.
٣٦. الصنعانی، محمد بن محمد بن یحیی، (بی تا)، الانباء عن دولة بلقیس و سباء، مصر: المطبعة السلفية و مكتبتھا.
٣٧. طبرانی، سلیمان بن احمد بن ایوب، (١٤١٢ق)، الاحادیث الطوال، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمية.
٣٨. الطبری، محمد بن جریر، (١٩٦٨ م)، تاریخ رسالة و الملوك، قاهره: دارالمعارف.
٣٩. عروسی حویزی، علی بن جمعه، (١٤١٥ ق)، نور الثقلین، قم: اسماعیلان.
٤٠. عسقلانی، ابن حجر، (١٣٢٥ ق)، تهذیب التهذیب، هند: مجلس دائره النظامیه الکائنه.
٤١. العسقلانی، محمد بن حجر، (١٣٩٨ ق)، الاصابة فی تمییز الصحابة، بیروت: دارالفکر.

تطور تاريخى تفسير در يمن ١٨٥

٤٢. عيسوى، احمد محمد، (١٣٩٨ ق)، فهرس مخطوطات المكتبه الغربيه بالجامع الكبير بصنعاء، الاسكندريه: طبع بإشراف منشاء المعارف.
٤٣. القمى الشيرازى، محمد طاهر، (١٤١٨ ق)، كتاب الاربعين، تحقيق سيد مهدي رجائى، بي جا: ناشر محقق.
٤٤. كحاله، عمر رضا، (١٣٧٦ ق)، معجم المؤلفين، دمشق: مطبعه الترقى.
٤٥. كردى، محمد طاهر، (١٤٢٠ ق)، تاريخ القويم لمكه و بين الله الكريم، بيروت: دار خضر.
٤٦. كوكب، عبدالنبي، (١٩٨٣ م)، قائمه بالمخطوطات العربيه فى مكتبه جامعه بنجاب، باكستان.
٤٧. المباركفورى، محمد عبدالرحمن بن عبدالرحيم، (١٤١٠ ق)، تحفة الاحوذى، بيروت: دارالكتب العلميه.
٤٨. مرزوق، سهيله مرعى، (٢٠١٥ م)، تاريخ يمن القديم، بيروت: دار و مكتبه البعائر للطباعه و النشر.
٤٩. المسعودى، ابوالحسن على بن الحسين بن على، (بى تا)، التنبيه و الإشراف، بيروت: دار صعب.
٥٠. موسى أردبيلى، سيد عبدالكريم، (١٤٢١ ق)، فقه القضاء، قم: مؤسسة النشر لجامعة المفيد.
٥١. الهمدانى، الحسين بن أحمد بن يعقوب، (١٩٧٤ م)، صفه جزيره العرب، الرياض: منشورات دار اليمامه للبحث و الترجمه و النشر.
٥٢. الواقدى، أبى عبدالله عمر، (بى تا)، فتوح الشام، بيروت: دارالجيل للطباعه و النشر.
٥٣. يحيى بن الحسين، (١٣٨٨ ق)، غايه الأمانى فى الأخبار القطر اليمانى، قاهره: دارالكاتب العربى للطباعه و النشر.